



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شهرهای رویایی شاکله جهان در هفت انگاره شهری

ترجمه:

دکتر مسعود علیمردانی

عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس شهید رجایی

فاطمه زین الصالحین

کسری کتاب الهی

سرشناسه	: گراهام، وید، ۱۹۶۷ - م.
عنوان و نام پدیدآور	: Graham, Wade شهرهای رویایی شاکله جهان در هفت‌انگاره شهری/ نوشته وید گراهام؛ ترجمه مسعود علیمردانی، کسری کتاب‌اللهی، فاطمه زین‌الصالحین؛ با پیشگفتار کرامت‌الله زیاری؛ موخره پویان شهابیان.
مشخصات نشر	: تهران: دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۲۸۰ ص.: مصور؛ ۲۹×۲۲ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۶۵۹۴-۹۵-۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: عنوان اصلی: Dream cities : seven urban ideas that shape the world, 2016.
یادداشت	: واژه‌نامه.
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: شهرسازی -- تاریخ
موضوع	: City planning -- History
موضوع	: شهرها و شهرستان‌ها -- تاریخ
موضوع	: Cities and towns -- History
شناسه افزوده	: علیمردانی، مسعود، ۱۳۳۷ - مترجم
شناسه افزوده	: کتاب‌اللهی، کسری، ۱۳۷۱ - مترجم
شناسه افزوده	: زین‌الصالحین، فاطمه، ۱۳۷۲ - مترجم
شناسه افزوده	: دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی
شناسه افزوده	: Shahid Rajae Teacher Training University
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۶ ش ۹۴/۱۶۶ HT
رده بندی دیویی	: ۷۱۱/۴۰۹
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۸۸۶۹۴۴



دانشگاه تربیت‌معلم رجایی

عنوان	: شهرهای رویایی شاکله جهان در هفت‌انگاره شهری
ترجمه	: مسعود علیمردانی عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، کسری کتاب‌اللهی، فاطمه زین‌الصالحین
ویراستار علمی	: دکتر علی شرقی
ویراستار ادبی	: شهرام طهماسبی
نوبت چاپ	: اول - پاییز ۱۳۹۶
انتشارات	: دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی
لیتوگرافی	: امیر نقش
چاپ	: معرفت
طراح جلد	: شهرام طهماسبی
ناظر چاپ	: محمد معتمدی نژاد
صفحه‌آرا	: محمدجواد رحیمیان
کارشناسان	: نیره فیروزی/ طاهره کیا/ علی رضایی اهوآنوی
شمارگان	: ۱۰۰۰ جلد
قیمت	: ۳۰۰,۰۰۰ ریال
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۶۵۹۴-۹۵-۸ ISBN: 978-600-6594-95-8

کلیه حقوق این اثر برای مؤلفین و مترجمین و دانشگاه تربیت دبیر شهیدرجایی محفوظ است.

نشانی: تهران، لویزان - کد پستی ۱۵۸۱۱-۱۶۷۸۸ - صندوق پستی ۱۶۳ - ۱۶۷۸۵ - تلفن: (۲۶۳۲) ۰۶۰-۲۲۹۷۰۰۶۰.

۲۲۹۷۰۰۷۰، تلفکس: ۲۲۹۷۰۰۴۲، پست الکترونیکی: Publish@srutu.edu، وب سایت: http://Publish.srutu.edu

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	أ
مقدمه مترجمان.....	ج
قدردانی مؤلف.....	د
مقدمه.....	ذ
فصل اول: قلعه‌ها (برترام گودهیو و شهر واهی).....	۱
فصل دوم: آثار تاریخی (دانیل برنهام و شهر سفارشی).....	۲۹
فصل سوم: تخته سنگی‌ها (لوکوروبوزیه، رابرت موزز و شهر منطقی).....	۵۵
فصل چهارم: املاک اربابی (فرانک لوید رایت و ناشهرگرایی).....	۸۵
فصل پنجم: مرجان‌ها (جین جیکوبز، آندره دوانی و شهر خود سازمانگر).....	۱۱۱
فصل ششم: مراکز خرید (ویکتور گروئن، جان جرد و شهر فروشگاه‌ها).....	۱۳۹
فصل هفتم: سکونت‌گاه‌ها (کنزو تانگه، نورمن فاستر و شهر اکولوژیکی فنی).....	۱۷۷
یادداشت‌ها.....	۲۱۱
مؤخره.....	۲۳۱
نمایه.....	۲۳۳
واژه‌نامه.....	۲۳۹
درباره نویسنده.....	۲۵۹

فهرست تصاویر

فصل اول

- تصویر ۱: ساختمان ایالتی کالیفرنیا، نمایشگاه پاناما و کالیفرنیا، سن دیگو (۱۹۱۵)..... ۲۳
- تصویر ۲: محوطه صحن مرکز گردشگری و مهمان‌پذیری (۱۹۱۵)..... ۲۳
- تصویر ۳: دیوان عدالت سانتا باربارا کانتی (۱۹۲۶)..... ۲۴
- تصویر ۴: کلیسای کوچک راکفلر، دانشگاه شیکاگو (۱۹۲۵-۱۹۲۸)..... ۲۴
- تصویر ۵: کتابخانه عمومی لس‌آنجلس (۱۹۳۵)..... ۲۵
- تصویر ۶: ال فورایدیس، مونتسیتو، کالیفرنیا (۱۹۰۶)..... ۲۵

فصل دوم

- تصویر ۱: کاخ هنرهای مکانیکی، نمایشگاه جهانی کلمبیا (۱۸۹۳)..... ۴۸
- تصویر ۲: تالار افتخار، نمایشگاه جهانی کلمبیا (۱۸۹۳)..... ۴۹
- تصویر ۳: برنامه مک میلان برای مرکز خرید ملی، واشنگتن دی سی (۱۹۰۱)..... ۴۹
- تصویر ۴: کتابخانه عمومی نیویورک، شهر نیویورک (۱۹۰۲)..... ۵۰
- تصویر ۵: برنامه شیکاگو، مرکز مدنی (۱۹۰۶)..... ۵۱
- تصویر ۶: برنامه شیکاگو (۱۹۰۶)..... ۵۲
- تصویر ۷: برنامه قلمرو پایتخت استرالیا (۱۹۱۳)..... ۵۲
- تصویر ۸: مرکز آپرای متروپولیتن، مرکز هنرهای اجرایی لینکلن (۱۹۶۶)..... ۵۳

فصل سوم

- تصویر ۱: کوربوزیه هاوس، اتحادیه مسکونی (۱۹۵۷)..... ۷۶
- تصویر ۲: مجمع عمومی و دبیرخانه سازمان ملل متحد (۱۹۵۲)..... ۷۶
- تصویر ۳: استیو سانت تاون و پیترو کوپر ویلج (۱۹۴۷)..... ۷۷
- تصویر ۴: استیو سانت تاون (۱۹۴۷)..... ۷۷
- تصویر ۵: خانه‌های پروت-ایگو (۱۹۵۵)..... ۷۸
- تصویر ۶: خانه‌های پروت-ایگو، سن لویس، میزوری (۱۹۷۲)..... ۷۸
- تصویر ۷: ساخت مسکن در پارک هیل (۱۹۵۷-۱۹۶۱)..... ۷۹

- تصویر ۸: فالوویس، ساختمان موج‌دار (دهه ۱۹۷۰) ۷۹
- تصویر ۹: پانلاک، ساختمان پانل، پراگ، چک اسلوواکی (۱۹۵۹-۱۹۹۵) ۸۰
- تصویر ۱۰: ساخت مسکن کین مینگ (۲۰۰۳) ۸۰
- تصویر ۱۱: پروژه‌های ساخت مسکن (دهه ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰) ۸۱
- تصویر ۱۲: ساخت مسکن به‌صورت تخته سنگی (نمای سال ۲۰۰۴) ۸۲

فصل چهارم

- تصویر ۱: نمای توصیفی شهر پهن‌دشتی، فرانک لوید رایت ۱۰۵
- تصویر ۲: برج روزنبرگ (۱۹۴۰) ۱۰۶
- تصویر ۳: توسعه مسکن فلوریدا (۱۹۷۲) ۱۰۶
- تصویر ۴: تقسیمات فرعی مریلند (۱۹۷۳) ۱۰۷
- تصویر ۵: تقسیمات فرعی، خارج از مالهولاند درایو، کوه‌های سانتا مونیکا (۱۹۷۵) ۱۰۷
- تصویر ۶: تقسیمات فرعی، ریو رانچو، نیو مکزیکو (۲۰۰۹) ۱۰۸

فصل پنجم

- تصویر ۱: سی‌ساید، فلوریدا برنامه: *DZP* (دهه ۱۹۸۰) ۱۳۳
- تصویر ۲: سی‌ساید، فلوریدا برنامه: *DZP* (دهه ۱۹۸۰) ۱۳۳
- تصویر ۳: جشن، فلوریدا (۱۹۹۶) ۱۳۴
- تصویر ۴: جشن، فلوریدا (۱۹۹۶) ۱۳۴
- تصویر ۵: ویسلینگ ویچ، پوندبری (۱۹۹۳) ۱۳۵
- تصویر ۶: بولوار دریاچه در توسعه مسکن خصوصی شهری در بورلی هیلز ۱۳۵
- تصویر ۷: جاکریبورگ، سوئد (اواخر دهه ۱۹۹۰) ۱۳۶

فصل ششم

- تصویر ۱: هورتون پلازا، سن‌دیگو، کالیفرنیا (۱۹۸۵) ۱۶۸
- تصویر ۲: هورتون پلازا، سن‌دیگو، کالیفرنیا (۱۹۸۵) ۱۶۸
- تصویر ۳: هورتون پلازا، سن‌دیگو، کالیفرنیا (۱۹۸۵) ۱۶۹
- تصویر ۴: مرکز خرید آمریکا، بلومینگتون، مینه‌سوتا (۱۹۹۲) ۱۶۹
- تصویر ۵: مرکز خرید آمریکا، بلومینگتون، مینه‌سوتا (۱۹۹۲) ۱۷۰
- تصویر ۶: کانال‌سیتی هاکاتا، فوکووکا، ژاپن (۱۹۹۶) ۱۷۱
- تصویر ۷: فروشگاه‌هایی در بلاژیو، لاس وگاس، نوادا (۱۹۹۸) ۱۷۲
- تصویر ۸: هتا و کازینوی ترزر آیلند، لاس وگاس، نوادا (۱۹۹۳) ۱۷۲
- تصویر ۹: مرکز خرید کلود ناین، ژونگشان پارک، شانگهای، چین (۲۰۰۶) ۱۷۳

تصویر ۱۰: مرکز خرید امارات، دبی، امارات متحدهٔ عربی (۲۰۰۵)..... ۱۷۳

فصل هفتم

تصویر ۱: زیست کرهٔ مونترال (۱۹۶۷)..... ۲۰۰

تصویر ۲: هبیتات ۶۷ (۱۹۶۷)..... ۲۰۰

تصویر ۳: برج کپسول ناگین (۱۹۷۲)..... ۲۰۱

تصویر ۴: مرکز انتشارات شیزوکو (۱۹۶۷)..... ۲۰۲

تصویر ۵: ۳۰ سنت ماری اکس، چرکین (۲۰۰۳)..... ۲۰۳

تصویر ۶: رایشتاگ، پارلمان جدید آلمان (۱۹۹۹)..... ۲۰۴

تصویر ۷: دفتر مرکزی کامرتز بانک (۱۹۹۷)..... ۲۰۴

تصویر ۸: مرکز ژرژ پمپیدو (۱۹۷۱)..... ۲۰۵

تصویر ۹: پارک مرکزی، سیدنی، استرالیا (۲۰۱۴)..... ۲۰۶

پیشگفتار

در شمال آمریکا، اروپا و سرتاسر جهان احیای مفاهیم تاریخی، برای اولین بار به صورت گسترده و همه‌جانبه در قرن نوزدهم همزمان با مدرنیته صنعتی مشاهده گردید، در قرن بیستم در سرتاسر جهان منتشر شد و اکنون نیز در قرن بیست و یکم به گسترش خود ادامه می‌دهد. رویاپردازان متعددی در پیشبرد این هدف گام برداشته‌اند. از این میان گروسونور گودهیو را شاید بتوان مؤثرترین و تأثیرگذارترین شخصیت این انگاره شهری معرفی نمود. برترام گروسونور گودهیو در ابتدای زندگی از خود استعدادی غیرمعمول در رسم و طراحی به نمایش گذاشت. آثار متعددی از وی بر جای مانده است. اولین نمونه کارهای وی در سال ۱۸۹۶ شامل ترامبرگ، که یکی از روستای قرون وسطی در بوهمیای آلمان می‌باشد، دومین کار که در سال ۱۸۹۷ انجام شده است، شهر فوسکا و باغ آن می‌باشد که یک شهر عصر رنسانس را در جزیره‌ای دور دست در دریای آدریاتیک ترسیم می‌نماید. نمونه کار سوم در سال ۱۸۹۹، روستایی در شمال ایتالیا به نام مونتوتوسو را به تصویر می‌کشد که به خاطر کلیسای سانتا کاترینا و میدان امبرتو مشهور می‌باشد. زمانی که گودهیو مدل شهر رؤیایی خود را کامل کرد، ابزار معماری را برای ساخت کل شهرها طبق زمینه مورد نظرش، قلمروهای فانتزی رمانتیک، نشان داد. مهم‌تر اینکه گودهیو و دیگر معماران عصر وی با کنار گذاشتن آخرین بازمانده‌های پروژه سیاسی اصلاح طلبان شهری در قرن نوزدهم، به صورتی کنایی سبک رمانتیک را از قید و بندهای تاریخی خود رها کردند. آنها انتقاد از اصلاح‌طلبان را از سرمایه‌داری صنعتی با بینشی عاری از قید و بند در مورد خیالات فردی جایگزین کرده و بر سطح سینمایی خیال‌پردازی خود ابراز ورزیدند.

انگاره دوم نیز در زمینه آثار تاریخی و مشابه با انگاره نخست است. رویاپرداز اصلی این انگاره دانیل برنهام معرفی شده است. در زمان مرگ دانیل هادسون برنهام در سال ۱۹۱۲، در آمریکا معماری معروف‌تر از وی وجود نداشت. او به‌عنوان پدر آسمان‌خراش‌ها، برنامه‌ریز نمایشگاه جهانی شیکاگو در سال ۱۸۹۳، بازسازی و نو نمایی مرکز خرید ملی در واشنگتن دی سی، در تمامی ایالات متحده آمریکا و فراتر از آن، به‌عنوان یک فرد ثروتمند، سرشناس و باتجربه شناخته شد. رئیس‌جمهور تافت او را یکی از پایه‌گذاران معماری جهان نام‌گذاری کرده است. باور مکرر وی یعنی «از برنامه‌ریزی‌های کوچک اجتناب کنید، آنها هیچ سحر و جادویی برای به جوش آوردن خون مردم ندارند. با برنامه‌های بزرگ، طرحی منطقی و اصیل به خاطر می‌آید که زمانی ثبت شده و هرگز نخواهد مُرد، اما بعد از اینکه ما دیگر نباشیم، چیزهایی وجود خواهند داشت که خود را با سازگاری روزافزون ابراز می‌نمایند». آرمان‌های عالی آمریکایی‌ها و احساس رو به رشد غرور ملی را در عصر بیانیه سرنوشت در خود تعبیه می‌نماید. برنهام به‌عنوان یک فرمالیست و نئوکلاسیسیست که سبک‌ها و انگاره‌های قرن نوزدهم را به قرن بیستم آورده است، مخالفانی داشت. با این وجود، حتی بهترین مدرنیست‌های عصر وی همچون فرانک لوید رایت بیان داشته‌اند که برنهام یک معمار خلاق نبود، بلکه تنها یک انسان بزرگ بود. برنهام اولین آسمان‌خراش‌ها، ساختمان مونتاک ده طبقه در سال ۱۸۸۲ یا ساختمان ۱۶ طبقه مونداناک در خلال سال‌های ۱۸۸۹ تا ۱۸۹۱ را ساخته است.

این ساختمان‌ها، بیان متعالی و بسترهایی برای قدرت تجاری رو به رشد شیکاگو به‌عنوان یک شهر خود توصیفگر با نشانه‌هایی بزرگ می‌باشند. در حقیقت، موفقیت و پیروزی‌های برنهام به‌عنوان عامل هدایت‌کننده نمایشگاه شیکاگو یا به‌صورت رسمی‌تر، نمایشگاه کلمبیایی‌های جهان در سال ۱۸۹۳، وی را به یکی از برنامه‌ریزان

شهری مشهور در آمریکا بدل نمود که قابلیت ترسیم نقشه‌های دایره‌ای و نمادین با عظمتی غیرقابل باور از شهرهای شیکاگو، سان‌فرانسیسکو و مانیلا که به‌تازگی شکل گرفته بود را داشت. او به صورتی فاخرانه مدعی میراث یونان کلاسیک و روم کلاسیک و رنسانس اروپا به‌عنوان ظهور میراث آمریکایی می‌باشد. آسمان‌خراش‌های وی الهام‌بخش معماری‌های کلیه جهان و بسیاری از مدرنیست‌های پیروز دنیا بود که در شرایطی دیگر تمایل به بی‌ارزش نمودن وی داشتند. ابداع مجدد برنامه‌ریزی شهر امپریال به مدلی برای سازندگان شهر مدرن در تمامی حوزه‌های سیاسی بدل شد: فاشیست‌ها، کمونیست‌ها و دموکرات‌ها، مستبدان، ظالمان و ترقی‌گرایان از این جمله می‌باشند. دانیل برنهام به قرن بیستم، دو مورد از فرم‌های شهری جهانی را عرضه کرده است. نمایشگاه شیکاگو برای بسیاری از مردم یک نوع وحی بود. برنهام خودش می‌نویسد مردم دیگر در رابطه با موضوعات معماری جاهل نیستند. آنها از طریق نمایش نمایشگاه جهانی کلمبیا در سال ۱۸۹۳ آگاه شده‌اند. اثر دانیل برنهام و همکارانش بخشی از یک جنبش گسترده را شکل داد که بهبودهای زیبایی‌شناختی را به‌عنوان درمان بیماری‌های شهرنشینی مردم به پیش می‌برد. این جنبش از یک باغ محلی و کلوپ‌های شهری و مدنی به دنبال گفتار مشترک و به‌منظور زیباسازی و تزئین واحدهای همسایگی با کشت گیاهان، آب‌نماها و هنر مدنی گسترش یافت که همه آنها، شیوه‌هایی پرهزینه، تلاش‌های برنامه‌ریزی رسمی شهری برای ساخت بولوارها، پارک و ساختمان‌های نئوکلاسیک باغی بودند. شعارهای وی زیبایی مدنی و پیراستگی بودند که با هنر عمومی، باغ‌ها، کاشت درختان، هموار کردن خیابان‌ها و نورپردازی، با کاهش تبلیغات و پهنه‌بندی صنایع زشت و آلاینده به دیگر بخش‌های شهر محقق می‌شد. وی این برنامه را به عنوان شیوه‌هایی برای ترویج همزمان یک محیط زیبا و سالم و شهروندی خوب در بین ساکنین آن مد نظر داشت و آن را از این منظر می‌ستود.

انگاره معماری دیگری که شهرسازی قرن بیستم و به تبع آن وضعیت کنونی غالب شهرهای جهان را تحت تأثیر خود قرار داده است، با عنوان تخته‌سنگی‌ها و منتصب به معمار و شهرساز معروف، لوکوربوزیه بیان شده است. لوکوربوزیه به دنبال گونه‌ای جدید از نمادگرایی جهانی بود که فرا تاریخی و غیرمتداول باشد. لوکوربوزیه، قصد داشت شهر خود را به‌گونه‌ای بسازد که همچون یک اثر افراطی، بصری و خیالی جلوه نماید، چشم‌انداز لوکوربوزیه، در سنت پروژه‌های ساخت و ساز انبوه و تحت فرمان دولت و پروژه‌های بازسازی در فرانسه از ورسای لویی چهاردهم گرفته تا دگرگونی‌های شدید هوسمان در پاریس در اواسط قرن نوزدهم مشخص بود. در مورد بخش‌های قابل‌ملاحظه برنامه‌های لوکوربوزیه چنین به نظر می‌رسید که او به مردم وعده داده بود که هر چیزی که بخواهند به آنها بدهد. وعده وی شهر و کشور در یک بسته واحد بود. او به صورتی متناقض تأکید دارد که تمرکز بیشتر و عدم پراکندگی، درمانی برای بیماری‌های شهری است و بدین وسیله می‌توان مردم را در برج‌های متراکم اسکان داد که به واسطه فضاهایی سبز از هم جدا شده است. در اصل، او تنش‌های میان شهر و کشور را با تلفیق آنها از بین برده است و نتیجه این فرآیند، برج‌هایی در پارک، می‌باشد. این عبارت به‌عنوان پیشنهاد لوکوربوزیه شناخته می‌شود. وی بیان داشت که ما باید فضاهای باز را افزایش داده و مسافت بین آنها را نیز کاهش دهیم. بنابراین مرکز شهر باید به‌صورت عمودی ساخته شود. برنامه وی بیش از اندازه شهری بود که حول کسب و کارها سازمان‌دهی شده بود.

انگاره چهارم که گراهام معتقد است به صورت گسترده شهرهای امروزی را تحت تأثیر قرار داده است، انگاره ناشهرگرایی فرانک لوید رایت می‌باشد. فرانک لوید رایت از شهر پهن‌دستی یاد می‌کند، کلانشهر پهن‌دستی برای آینده می‌باشد که نه تنها جایگزین هیولای کلانشهرهای کنونی مانند شهر نیویورک می‌شود، بلکه خود را به‌جای شهرهای کوچک‌تر و شهرک‌ها نیز قرار داده و منظرهای غیر مرکزی و نامحدود را بر آنها تحمیل می‌نماید که بهترین ویژگی‌های هر دو محیط را در خود تلفیق می‌نماید. سبک مرموزی را که رایت از نظر ویژگی شناختی

بیان می‌نماید، می‌توان بدین‌گونه توضیح داد که؛ شهر هیچ‌کجا نخواهد بود و در عین حال همه جا را شامل می‌شود. رایت به توضیح این مسأله می‌پرداخت که پهنشدنی، جایگزین شهر نبود، بلکه مکملی برای آن بود. این امر بر اساس شعاری که بیان شده است عبارت بود از یک الگوی جدید زندگی برای آمریکا. شهر پهنشدنی ایده صرف بازگشت به اراضی نمی‌باشد، بلکه شکست تقسیمات مصنوعی که بین زندگی شهری و روستایی ایجاد شده است می‌باشد. این امر کلاً در کنار مفهوم مرکز شهر قرار داشت و کارکردهای سنتی مرکز را حول مناظر پراکنده می‌نماید. گراهام، انگاره پنجم را در قالب شهرهای خودسازمانگر، که کلیت آن را می‌توان منتسب به کنگره نوشهرنشینی دانست و در افکار و نگاشته‌های جیکوبز، دوآنی و پلاترزیبرگ متصور است، معرفی نموده است.

در سال ۱۹۵۲، جیکوبز در انجمن معماری هنری لوس، که در میان کلیه موضوعات، پوشش موضوعی آنها نوسازی شهری بود، مشغول به کار شد. وی مقاله‌ای انتقادی در مورد شهر فیلادلفیا با همان مضمون رابرت موزز و ادموند بیکن نوشت که وی را مورد توجه ویلیام وایت قرار داد. ویلیام وایت، وی را بابت مقاله‌ای در سال ۱۹۵۸، با عنوان مراکز شهر برای مردم هستند، در مجله فورچون بکار گمارد. کتاب، مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی هجمه‌ای بر برنامه‌ریزی جاری شهری و بازسازی شهر می‌باشد. او زمینه‌های پربار هاوارد، جامعیت‌گرای آمریکایی شامل لویییس مامفورد، کاترین باور، کلارنس اشتاین، هنری رایت و *RPAA* را ادامه داد. این افراد به گفته وی ضد خیابان و ضد تراکم شهری بودند و بنابراین بر ضد مردم بودند: حضور بسیاری از مردم دیگر در بهترین حالت یک روح اهریمنی می‌باشد و برنامه‌ریزی بهینه شهری باید هدف خود را حداقل بر حریم خصوصی حومه شهری و انزوا متمرکز نماید. در بهترین حالت، تمرکز زدها، مانند هاوارد ضد شهر بودند: شهر بزرگ، یک کلانشهر، شهر فوق‌العاده عظیم، شهری هیولایی، یک مرگ زنده است. این شهر باید از صحنه محو شود. جیکوبز برخی از عوامل کلیدی را لیست کرده است. در وهله اول، مردم در اصل در خودروها نمی‌باشند، بلکه پیاده بوده و خیابان‌ها باید به‌عنوان قلمرو پیاده‌روها شناخته شود در ثانی، باید افرادی وجود داشته باشند که از خیابان‌ها استفاده کرده و از آنها به‌صورت دائمی بهره‌مند شوند که می‌تواند در بهترین شرایط به واسطه ترکیب گسترده‌ای از ساکنین، کار، خرید و فروش و زندگی شبانه محقق شود. برای درک شهرها، ما باید با ترکیب یا اختلاطی از کاربری‌ها سر و کار داشته باشیم، نه با کاربردهای مجزا (تک عملکردی) به‌عنوان پدیده‌های ضروری.

از دیدگاه گراهام، انگاره خرید یکی از مهمترین پدیده‌های حاکم بر شهرها و معماری دهه‌های آخر قرن بیستم بوده که منجر به شکل‌گیری شهرهای فروشگاهی شده است.

دوره رکود عظیم و جنگ جهانی دوم موانعی بر سر راه توسعه حومه شهر قرار داد، ولی انتهای جنگ شروعی برای مهاجرت خیلی عظیمی از آمریکایی‌های سفیدپوست به حومه‌های شهر بود که به وسیله مالکیت خودرو، ساخت جاده‌ها، رهن‌های دولتی و سیاست‌های مالیاتی، تولد نوزادان، اقتصادی رو به رشد و گسترش و محصولاتی نوآورانه و بازاریابی بهینه از سوی صنعت مستغلات و املاک تقویت می‌شد. جی. سی. نیکولز مدلی در مورد تعبیه یک مرکز خرید با خدمات کامل را در قلب مسیر مسکونی حومه جدید شهری ارائه نمود که هدف آن کمک به خریداران در جهت فروش خانه‌هایشان بود که به دلیل انزوا و دوری از شهر احساس نگرانی می‌نمودند. توسعه‌گران تجاری با وضعیت بهتری مواجه بودند و دریافتند که مراکز خرید منطقه‌ای که تعمداً در تلاقی بزرگراه‌های منطقه‌ای و مسیرهای دسترسی ساده برای خودروها و پارکینگ‌ها قرار گرفته بودند، می‌توانستند به جاذبه‌ای برای شمار زیادی از مشتریان بدل شوند. در سال ۱۹۵۴، مرکز نورتلند از سوی معماری به نام ویکتور گروئن طراحی شد و در حومه شهری دیترویت با برنامه خوشه‌ای مدرن و منحصر به فرد با به‌کارگیری ۸۹ هکتار از مناظر، پارکینگ برای ۱۰۰۰۰ خودرو و کنترل اقلیمی کامل با گرمایش مرکزی و تهویه هوا به‌عنوان اولین فروشگاهی که می‌توانست مدعی این زمینه باشد، افتتاح شد.

و نهایتاً انگاره هفتم، که هم اکنون نیز در محافل علمی و تخصصی شهرسازی جهان، یکی از مهمترین مسائل مورد بحث می‌باشد، مسائل اکولوژیکی- فنی در ساخت شهرها، سکونت‌گاه‌ها و معماری در می‌باشد. از دیدگاه گراهام، شکل‌گیری و پیشرفت فراوان در این زمینه، مرهون زحمات تانگه و فاستر می‌باشد.

در سال ۱۹۵۹، همکاری بین ژاپن و ایالات متحده آمریکا در زمینه شکل دادن به شهر، در حال پیشرفت بود. این همکاری در نزدیکی مؤسسه فناوری ماساچوست بود که در آن معمار ژاپنی به نام کنزو تانگه به مدت یک ترم مشغول به تدریس بود. طی این مدت، تانگه از شهرهای دیگر آمریکایی شامل نیویورک، شیکاگو و سان‌فرانسیسکو دیدن کرد. در این شهرها، وی تحت تأثیر پروژه‌های عظیم زیرساخت شهری، خصوصاً بزرگراه‌های مرتفع وسط شهرهای شلوغ قرار گرفت. فارغ از اجرای برنامه‌های روزانه، وی در فعالیت‌های صورت گرفته در کشور ژاپن، زمانی را صرف تفکر در مورد رشد و تحول و نحوه ادغام فضاهای ارتباطی با معماری می‌نمود. منظور وی از این تلاش‌ها مسیرهای حمل و نقل مانند بزرگراه‌ها، راه‌آهن و بندرها بود.

او تصمیم گرفت که وظیفه اسکان ۲۵ هزار نفر در بندر بوستون را بر عهده دانشجویان سال پنجمی سمینار بگذارد. نتیجه این فرآیند یک جفت ساختمان با قاب‌ی شکل به صورت خطی و طولانی بود که از ساحل به سمت آب رفته بود و به سمت مجموعه‌ای از جزیره‌های ساخته دست انسان متمایل می‌شد. زمانی که ژاپن محاصره شد، تانگه تنها ۳۱ سال داشت. او و دیگر معماران و برنامه‌ریزان نسل خود که زندگی کاری خود را با تفکر به زمینه‌های شهری نامحدود در آسیا شروع کرده بودند، به پایان جنگ رسیدند و با شهرهای خود که بیشتر به خاکستر بدل شده بودند، مواجه شدند. تانگه در مؤسسه بازسازی دولتی مشغول به کار شد و در تیم پیمایش هیروشیما به مسئولیتی مهم منصوب شد.

او نقشه‌ای برای بازسازی شهر مخروبه تهیه کرد که تحت تأثیر ایده کارکردهای مجزای شهری لوکوربوزیه قرار داشت، ولی کارکرد اضطرار نیازهای فوری جمعیت بازمانده از این جنگ تفکری مجدد و افراطی در مورد الگوهای از پیش موجود را از بین می‌برد. در سال ۱۹۴۹، برنامه بازسازی تانگه در شورای عالی ژاپن مورد تصویب قرار گرفت و فرآیند توسعه در پارک و میدان صلح شروع شد و موزه خاطرات بمباران اتمی، یکی از تخته سنگی‌های بتنی و بلندی بود که در کنار آن قرار داشت و روی پیلوت ساخته شده بود. کلیه بناهای تانگه تأثیر لوکوربوزیه را نمایان می‌کردند. از دهه‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، سکونت‌گاه‌هایی که برای نویسندگان کتاب متابولیسم قابل شناسایی بودند، در دریا، زیر آن و در میدان‌های یخی قطب جنوب و در مدار زمین پراکنده شده بودند. یکی از موارد در میان بسیاری از نمونه‌های موجود، کار معمار بریتانیایی نورمن فاستر می‌باشد. فاستر از چندین اثر فرانک لوید رایت و لویی کان دیدن کرد و به وست کاست سفر کرد تا نمونه‌هایی از ایده‌های نوین و تازه طراحی را در آنجا ببیند. وی نیز تحت تأثیر معماری جالب و باز و فرهنگ معماری قرار گرفته بود. فاستر در مسیر خود از ترسیم‌هایی با خودکار و ماشین حساب‌های دستی تا طراحی به کمک کامپیوتر کار کرد. او در ابتدای قرن بیست و یکم نوشت که: بسیاری از ایده‌های سبزی که ما در پروژه قبلی کشف کردیم، اکنون به وسیله فناوری‌های امروزی محقق و ممکن می‌باشند. فاستر اغلب در مورد تلفیق و یکپارچگی صحبت می‌کند و چنین می‌نویسد که برای من، راهکار بهینه طراحی، شامل تلفیقی از نگرانی‌های زیست‌محیطی، اقتصادی، زیبایی‌شناسی و فناوری می‌باشد. پروژه‌های فاستر به دنبال این بودند که با طبیعت هماهنگ باشند.

کتاب شهرهای رؤیایی؛ شاکله جهان در هفت انگاره شهری، تألیف وید گراهام استادیار دانشگاه پیرداین کالیفرنیا، در نوع خود به لحاظ روند و سیر تاریخی تحولات شهر و پرداختن به انگاره‌های "قلعه‌ها"، "آثار تاریخی"، "تخته سنگی‌ها"، "املاک اربابی"، "مرجان‌ها"، "مراکز خرید" و "سکونت‌گاه‌ها" به نحو مطلوب علمی ارائه شده است. بی‌شک این اثر کمک مؤثری به دانش‌افزایی در معماری، طراحی شهری، برنامه‌ریزی شهری و رشته‌های علوم

شهری خواهد داشت. ترجمه سلیس و جامع این اثر توسط جناب آقایان دکتر مسعود علیمردانی، مهندس کسری کتاب‌اللهی و سرکار خانم مهندس فاطمه زین‌الصالحین، بر زیبایی آن در داخل کشور خواهد افزود. امید است کتاب پیش‌رو، مورد استفاده دانشگاهیان، صاحب‌نظران و دانشجویان مقاطع مختلف تحصیلی و علاقه‌مندان به شهر قرار گیرد.

دکتر کرامت الله زیاری

استاد دانشگاه تهران

تابستان ۱۳۹۶

مقدمه مترجم‌ها

در سال‌های اخیر کتاب‌ها و مقالات ارزنده و مهمی درباره مبانی و مفاهیم معماری و شهرسازی خصوصاً در دوره معاصر به زبان فارسی ترجمه و چاپ شده است که جای سپاس فراوان دارد. هرچند بسیاری از این منابع لازم و کاربردی هستند، با این وجود نسبت به انبوه منابع ارزشمند خارجی که در این حوزه تألیف شده‌اند، نمی‌توانند کافی باشند.

در جهت بهبود و اعتلای منابع جدید زبان فارسی در حوزه مبانی نظری معماری و شهرسازی معاصر، اینجانب پس از بررسی‌های انجام گرفته که در ذیل به آنها اشاره شده است، کتاب شهرهای رؤیایی را به عنوان منبع ارزشمندی انتخاب نموده و با همکاری مترجمان گرامی، جناب آقای مهندس کتاب‌اللهی و سرکار خانم مهندس زین‌الصالحین، مراحل ترجمه کتاب را آغاز نمودیم. کتاب شهرهای رؤیایی، در سال ۲۰۱۶، در شش ماهه نخست انتشار آن جزو پرفروش‌ترین کتاب‌ها در سایت معتبر آمازون قرار گرفته و از لحاظ محتوایی و علمی، حاوی بخش‌ها، نکات و اطلاعات جدیدی است که می‌تواند برای مخاطب فارسی‌زبان، مفید و مثمر ثمر باشد، و مشابه آن در سایر کتاب‌های منتشر شده تا کنون، مشاهده نگردیده است. همچنین نویسنده کتاب در زمره اساتید پرآوازه دانشگاه پرداین بوده و آثار متعدد و معتبری از ایشان در حوزه معماری و شهرسازی به چاپ رسیده است.

وید گراهام مؤلف کتاب، معتقد است شهرهای رؤیایی یک راهنمای جامع در مورد جهان مدرن شهری است. وی در این کتاب، از برنامه‌های اصلی معماران و شهرسازان با شهرت جهانی، پرده‌برداری کرده و مبانی شهرهای متنوع امروزی را آشکار می‌نماید.

از دیدگاه وی، تمامی شهرهای جهان را می‌توان در قالب هفت انگاره متصور شد. کتاب نیز مشتمل بر هفت فصل است و هر فصل تشریح‌کننده یک انگاره معماری یا شهرسازی است که در طول سال‌ها توسعه و رشد شهرها را جهت داده است. گراهام هفت انگاره را به ترتیب تقدم زمانی شکل‌گیری آنها، با عناوین "قلعه‌ها"، "آثار تاریخی"، "تخته‌سنگی‌ها"، "املاک اربابی"، "مرجان‌ها"، "مراکز خرید" و "سکونت‌گاه‌ها"، بیان می‌نماید و معتقد است این انگاره‌ها به ترتیب منجر به شکل‌گیری "شهر واهی"، "شهر سفارشی"، "شهر منطقی"، "ناشهرگرایی"، "شهر خودسازمان‌گر"، "شهر فروشگاهی" و نهایتاً "شهر اکولوژیکی، فنی" شده‌اند.

در ترجمه کتاب سعی شده است، اسامی اشخاص مطابق گونه رایج آنها در زبان فارسی ترجمه گردد. در مورد اسامی مکان‌ها، فضاها و عناصر طبیعی، از ترجمه معنایی واژگان اجتناب شده است و واژگان استفاده شده، صرفاً فارسی نوشته واژه انگلیسی هستند: مانند هورتون پلازا، ریورساید و ...

با تمام دقت بکار رفته در مراحل ترجمه، تایپ، ویرایش و صفحه‌آرایی، این کتاب از کاستی‌های احتمالی مبرا نبوده، یادآوری آن از سوی خوانندگان فرهیخته، دستمایه بهبود و ارتقای کیفی ویرایش‌های بعدی کتاب و سایر آثار مترجمان خواهد بود.

در اینجا لازم می‌دانم از تمامی کسانی که به نوعی در آماده‌سازی این اثر همکاری نموده‌اند، سپاسگزاری نمایم. یقیناً بدون حمایت‌ها و همکاری تمام عزیزان، چاپ کتاب مسیر نمی‌شد. بر این اساس از سرکار خانم دکتر آیدا درویشان، به خاطر همکاری‌شان در تهیه کتاب، در کمترین زمان ممکن از انتشار آن، کمال تشکر را دارم. همچنین از جناب آقای دکتر فرامرز آشنای قاسمی، رئیس اداره انتشارات و نشریات علمی پژوهشی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجائی و تمامی پرسنل آن اداره، به پاس همکاری‌هایشان در مراحل چاپ و نشر آن، سپاسگزارم.

از جناب آقای دکتر کرامت الله زیاری استاد دانشگاه تهران، به دلیل نگارش متن پیشگفتار و جناب آقای دکتر پویان شهبان استادیار گروه شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، به خاطر نگارش مؤخره کتاب، کمال قدردانی را دارم.

در پایان از جناب آقایان فرزاد کتاب‌اللهی، حسین زین‌الصالحین، مهندس محمدمهدی مهدی‌زاده و سرکار خانم‌ها سهیلا رعدی، سوما اصلانی و زهرا بهرامی، به دلیل حمایت‌ها و مشاوره‌های دلسوزانه‌شان، و نیز ویراستار محترم جناب آقای طهماسبی قدردانی می‌کنم.

امید است مطالعه این کتاب به معماران و شهرسازان ایرانی کمک کند تا علاوه بر شناخت انگاره‌های معماری و شهرسازی مؤثر بر شکل‌گیری شهرها در غرب و کاربست آن در شهرهای ایرانی، بتواند اندیشه، مباحثه و کنش مربوط به ماهیت شهرها و انگاره‌های شهری را در بین دانشجویان رشته‌های مرتبط و علاقه‌مندان به شهر، شهرسازی و طراحی شهری برانگیزد.

مسعود علیمردانی

استادیار گروه شهرسازی

دانشگاه تربیت دبیر شهید رجائی

تابستان ۱۳۹۶

قدردانی مؤلف

بدون همکاری و کمک‌های بسیاری از افراد که هر یک سهمی بی‌نظیر در این پروژه داشتند و با تمام وجود در این راه کمک کردند، تهیه و نگارش این کتاب ممکن نبود. بدین وسیله از ویراستار محترم، جنیفر بارث در انتشارات هارپر کالینز، ایرین ویکس، لیه کارلسون-استانیسیک، لیلی کوهن و گرگ کولیچ، دیوید کان و میکول تورتلوت در پروژه کان، چارلز دونلان، آن ارینگر، اوتیس گراهام، رووان پلینگ و اِدی وانگ تشکر می‌نمایم. من همچنین قصد دارم قدرشناسی خود را از مؤسسه کتب دانشگاهی نیز اعلام نمایم که این کتاب در آن مؤسسه به‌تدریج تهیه و تدارک دیده شد. از کتابخانه عمومی لس‌آنجلس، و همزمان از صفحه‌های اینترنتی و افرادی که دو قلمرو را در کنار یکدیگر بیان کردند و ساختمان کتابخانه مرکزی در مرکز لس‌آنجلس به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای برترام گروسونور گودهیو^۱، تشکر می‌کنم که همچنان یکی از شاهکارهای الهام‌بخش و زنده چشم‌انداز شهری می‌باشد.

^۱ Bertram Grosvenor Goodhue

مقدمه

برای درک بهتر شهرهایی که در حال شکل‌گیری هستند، ما باید اسناد متعدد چشم‌انداز شهرهایمان را از آغاز فرآیند شهرسازی بشناسیم، سندی که مشخصه قرن حاضر را تشکیل می‌دهد. در این راستا چه پیشنهادهایی ارائه شده است؟ آیا این پیشنهادات بررسی شده‌اند و اگر این‌گونه است، چه آموخته‌هایی را از آنها کسب کرده‌ایم؟ چه ملاک‌هایی راهنمای نویسندگان این اسناد بوده و تا چه حد جامعه در راستای آشکار شدن فرآیند شهرسازی در قرن بیستم دچار تحول گشته است؟

موشه صفدی^۲، ۱۹۹۷

شهرهای رؤیایی عنوان کتابی است که به شیوه‌ای نوین به کنکاش شهرها می‌پردازد، همچون بیان انگاره‌هایی که اغلب متعارض یکدیگرند، انگاره‌هایی در مورد این‌که ما چگونه باید زندگی کنیم، کار کنیم، بازی کنیم، بسازیم، خرید کنیم و در نهایت باور داشته باشیم. این کتاب داستان‌هایی واقعی در مورد شهرهای رؤیایی معماران و متفکرانی را برای ما نقل می‌کند که به برنامه دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم، تبدیل شده است. از قرن نوزدهم تاکنون، آنچه به عنوان مفاهیم رؤیایی، گاه‌آرمانشهر، بیگانه‌وار و همیشه بحث برانگیز مطرح شده است؛ به تدریج در میان انسان‌ها پذیرفته شده و در مقیاس انبوه ساخته شده‌اند و به حقیقتی در شهرهای جهان، از دبی تا شانگهای و لندن و لس‌آنجلس بدل شده‌اند. در سراسر زندگی این رؤیاپردازان، فعالان، همکاران و دستیاران‌شان و نیز مخالفان برنامه‌های آنها، می‌توانیم روندهایی را ببینیم که نه تنها به صورت فرم شهری اطراف ما شامل خانه‌ها، برج‌ها، مراکز مدنی، مکان‌های مالک‌نشین، مراکز فروش، بولوارها، بزرگراه‌ها و فضاهای میان این‌گونه مکان‌ها، بلکه به صورت انگاره‌هایی که الهام‌بخش توسعه آنها بوده و در ساختمان‌ها، واحدهای همسایگی و فی‌المجموع در شهرها نهادینه و تعبیه شده‌اند. هدف کتاب شهرهای رؤیایی بازنمایی این موضوع است که چگونه می‌توان به شیوه‌ای جدید، جهانی را که تاکنون در آن زیسته‌ایم تصور کرد، چگونه می‌توان دریافت که فرم‌های شهری و معماری از کجا آمده‌اند، مقصود آنها از شکل دادن به ما چیست، چگونه ما به نوبه خود آنها را شکل می‌دهیم، و چگونه ما در کل این فرآیند سهیم می‌شویم.

تواریخ مرسوم معماری در مورد سبک و منحصر به فرد بودن ساختمان‌هایی سخن می‌گوید که همچون اشیای هنری نظیر نقاشی، بی‌ارتباط با زمینه هستند. اما شهرها همگی دارای زمینه هستند و صرفاً از ساختمان‌ها تشکیل نشده‌اند، بلکه از اجتماع فرم‌ها، فضاها، ارتباط بین آنها و محیطی که بنا می‌گردند و ما، شکل یافته‌اند. این فرم‌های مختلف معماری، ابزارهایی هستند که جلوه‌ای حقیقی به شهرها می‌دهند: هر کدام از آنها یک طرح، مقصود، ادعا، کنش و واکنش در جدال‌های مستمر و بحث‌هایی هستند در خصوص اینکه چگونه باید زندگی کنیم. شهرهای رؤیایی، تاریخ پیدایش این فرم‌ها و نحوه عملکرد آنها بوده و راهنمایی در این زمینه برای شناسایی و گدگشایی از رازهای نهان در دل این فرم‌های معماری را شامل می‌گردد.

ما گاه شهرهایی را به یکباره، همچون شهرک‌ها، حومه شهر یا پایتخت‌ها، دقیقاً بر اساس نقشه‌های تهیه شده بر روی تخته رسم، بنا می‌کنیم. این شهرها در اکثر اوقات در طول زمان و توسط اشخاص مختلف، از بخش‌هایی ساخته می‌شوند که با یکدیگر تلاقی دارند یا به سمت یکدیگر کشیده می‌شوند و جابجا، حذف، جایگزین و یا تخریب

² Moshe Safdie

می‌شوند و تغییر ماهیت می‌دهند. به همین دلیل است که بسیاری از شهرها احساس گسیختگی و پیچیدگی را القاء می‌نمایند؛ این شهرها به صورت لایه‌هایی به نظر می‌آیند که تحولات طول زمان را همچون رد پا، انباشت‌ها و برخوردها ثبت می‌نمایند یا همچون بخشی از آثار معماران قدیمی که همچنان به قوت خود باقی‌اند، به حال خود رها و دچار تغییر کاربری یا به بخش دیگری ضمیمه شده‌اند. شهرها می‌توانند به صورت میدان‌ها نبردی در نظر بیایند که در آنها معماران گوناگون، هر کدام با یک موضوع مورد بحث و پیامدهای اقتصادی و سیاسی گوناگون، با هم در حال رقابت باشند. پیامد این نبرد آن است که برخی پیروز و برخی بازنده خواهند بود. برخی افراد از آن منابع، بیش از سایرین بهره می‌گیرند. برخی از آنها ما را از انسان‌ها، از زندگی مشترک در جوامع، یا از مسئولیتی که در قبال سیاره‌مان داریم، منزوی و جدا می‌نمایند. همواره زمانی که معماری رؤیایی به حقیقت می‌پیوندد، پیامدهایی غیر منتظره به دنبال خواهند داشت.

برج‌های شیشه‌ای واقع در مناطق تجاری مرکز شهر با واحدهای همسایگی سنتی دارای اختلاطی از ساختمان‌های مسکونی، تجاری و فضاهای همگانی در تقابل می‌باشند. چنین به نظر می‌رسد که خیابان‌های سرسبز واقع در بین بلوک‌های ساخته شده بخش‌های مرفه شهر، چنین دنیایی را انکار می‌کند و با بزرگراه‌های مرتفع از دیگر حوزه‌های شهر جدا می‌شود. همچنین بخش‌های شبه روستایی، حومه‌های شهر که غالباً استفاده از خودرو شخصی در آنها به چشم می‌خورد و پراکندگی‌های مشابه با تراکم واحدهای همسایگی در مقیاس عابرین پیاده در رقابت است. این در حالی است که فرقی نمی‌کند در مراکز سنتی و قدیمی شهر یا در بخش‌های تحت توسعه با اختلاط کاربری جدید قرار گیرند. مراکز خرید عظیم با طراحی فوق‌العاده و شهرک‌های قبلی حول خرده‌فروشی‌ها به‌علاوه تجربه‌ای که از آنها حاصل می‌شود، جای فروشگاه‌های واقع در خیابان اصلی را گرفته و مرزهای فضای عمومی و خصوصی در زندگی ما را به گونه‌ای دیگر تعریف کرده‌اند.

معماری‌ها بیان آرزوهای طراحان و سازندگان‌شان هستند، این معماری‌ها با هدف شکل دادن به انسان‌ها تهیه شده و از این رو جهان را شکل می‌دهند. همان‌طور که مقصود از کلیسا این است که باورهای مذهبی مردم تقویت شوند، مقصود از ساخت زندان‌ها این است که مردم را مطیع قانون نمایند، هدف از ساخت مدارس این است که به انسان‌ها آموزش دهند یا مقصود از ساخت بناهای یادبود و تاریخی این است که همواره در ذهن بشر تفکر و ذهنیت مدنی ایجاد گردد، ما شهرهای خود را به هر شکل که طراحی و ساخته شده، با هدف تشویق یا نهی رفتاری خاص به‌منظور نیل به نتیجه‌ای معین می‌سازیم. کتاب شهرهای رؤیایی به معماری‌های جهان مدرن به گونه‌ای که از سوی رؤیاپردازان پرنفوذ در این زمینه پیش‌بینی شده‌اند، می‌پردازد. مقصود از ساخت برج‌های بلند و بزرگراه‌هایی سریع این است که به ما احساس و عمل مدرن و مؤثر ببخشد؛ حوزه‌های یادمانی تاریخی، پارک‌ها، خیابان‌ها و میدان‌ها به این منظور ساخته می‌شوند که به ما احساس مدنیت و نظم القاء کنند، ساخت فروشگاه‌ها و مراکز خرید به این منظور است که نیاز به خرید را در ما ایجاد کرده و در این راستا، ما را شادتر کنند. حومه‌نشینی به ما احساس استقلال و آزادی نسبت به شهر و شلوغی آن را می‌دهد و زمانی که مضامین تاریخی در آن نهاده شده باشد، به واسطه انتقال ما به قلمروهای زمانی دیگر، موجب می‌شوند که حقیقت حال حاضر را فراموش کنیم. توسعه‌های صورت گرفته به شیوه دوستدار محیط‌زیست^۳ نیز به ما احساس تعادل و توازن روشن با طبیعت می‌دهد.

این مسأله که فرم‌های شهری منعکس‌کننده تفاوت‌های عظیم در اقلیم و جغرافیای حیات بشری می‌باشند، امری منطقی به نظر می‌آید. کلبه‌های اسکیمویی اینویت^۴، خانه‌های صخره‌ای پابلوئن^۵ و روستاهای بنایی شده سفید

^۳ Eco-friendly

^۴ Inuit igloo

^۵ Puebloan

در حوزه مدیریتانه، مطابقت حیرت‌انگیزی با محیط اطراف خود دارند. فرآیندهای نقشه‌برداری، زمین‌شناسی، بادهای، دمای هوا و آب و هوا همگی نقش خود را در این موضوع ایفا می‌نمایند که شهرهای قدیمی و سنتی چگونه ساخته شده‌اند. اما امروزه تغییرات موضعی در حال وقوع است که توقف آنها دشوار می‌باشد. در عصر مدرن (از حدود ۱۸۵۰ میلادی در اروپای غربی، آمریکا تا به امروز در سراسر جهان)، شهرها بیش از آنکه با هم متفاوت باشند، به یکدیگر شبیه می‌باشند، از سنگاپور گرفته تا اولان باتور^۶، بوستون، مسکو، بوینس آیرس^۷، همگی دارای وجوه تشابه گسترده می‌باشند. فارغ از بخش‌هایی از آنها که قبل از عصر مدرن ساخته شده‌اند، نظیر کلیساها، میدان‌ها و حوزه‌های تاریخی با جمعیت اندک، یکنواختی شهری خاصی در سطح جهانی و تا حدی قابل ملاحظه، مشاهده می‌شود: در اینجا بلوک‌های برج دیده می‌شوند، در جایی دیگر آزادراه‌ها، فروشگاه‌ها و مراکز فروش و حومه‌های شهری شبه تاریخی، در اینجا مراکز مدنی دیده می‌شوند که به نظم مرسوم واقع شده‌اند، کمی فراتر از آنها پهنه‌هایی دیده می‌شوند که تا مسافت‌های طولانی به خودروها متکی می‌باشند. این عناصر بخشی عمده از اکثر شهرهای مدرن را تشکیل می‌دهند و با این حال، به ندرت از آنها در راهنماهای توریستی یا تاریخچه معماری، نام برده شده و یا حتی اشاره‌ای کوتاه به آنها نشده است.

هر متفکر در این کتاب با تصورات رویایی‌اش، معماری خود را مایه پیشرفت امور در نظر می‌گیرد. بسیاری معماری و طراحی شهری خود را به‌عنوان گونه‌ای دارو توصیف کرده‌اند که هدف از طراحی آن، آنگونه که می‌شنویم و می‌بینیم درمان بیماری‌های شهر مدرن بوده که بشر را دچار پریشانی و آشفتگی کرده است. آنها اغلب برخلاف جریان مدرنیته پدیدار می‌شوند: زشتی، هرج و مرج و شلوغی شهرهای صنعتی از این قبیل مسائل می‌باشند. برخی به دنبال بازگشت به گذشته بوده یا آشتی با آن هستند و یا از طرفی دیگر حومه‌های شهری یا طبیعی پایه را جستجو می‌کنند. سایرین به آینده و زمانی نگاه می‌کنند که فناوری‌های نوین نظیر راه‌آهن‌ها، اتومبیل‌ها یا کامپیوترها، ما را از ضدآرمانشهر^۸ مستقل می‌سازد و حیاتی نسبتاً آرمانشهری و جدید را برای ما به ارمغان می‌آورند. این افراد در ارتباط با ساختمان‌ها و فضاهای میان آنها، رفع کاستی بشر را با پیشنهاد بهبود امور نظیر ساختمان‌ها، مسکن، حمل و نقل یا فناوری جستجو می‌کنند و از این زاویه بدان روی می‌آورند. متفکرینی که در این کتاب به‌صورت صریح یا ضمنی از آنها نام برده شده، تمایل دارند، آنچه را که رینولد نیبور^۹ آن را *تزیینات با استفاده از آجرهای تنهایی*^{۱۰} می‌نامد، بپذیرند. تلاش برای اصلاح محیط ساخته‌شده به‌عنوان ابزاری برای اصلاح فرد و جامعه، عمیقاً در باور فرهنگی‌مان نهادینه شده است، گویی که ما ساکنین شهرهای مدرن معتقد به بار مذهبی بوده و ایمان خود را چنان بکار می‌گیریم که روح و معنویت ما را دگرگون نماید.

نتایج کار نامساعد بوده است. برخی از شهرهای رؤیایی که در این کتاب صورت واقعی آنها ارائه شده است، پیامدهایی به مراتب نامساعد و ناخوشایند به دنبال داشته‌اند. این پیامدها نتیجه تخریب بافت‌های شهری قدیمی بوده است که ما در نگاه به گذشته، ارزش آنها را درک کرده و همچنین حاصل از جابجایی میلیون‌ها انسان از خانه‌های آشنا به مکان‌هایی ناآشنا که اغلب مناظری غیرعادی دارند، بوده است. اصرار بر اصلاح شهر پرجمعیت و متراکم در سراسر جهان به معنای تسریع و توانمندسازی مکان‌های مملو از منابع و تحت سلطه خودرو می‌باشد. با این وجود، سایر تلاش‌ها برای اینکه شهر را بر اساس ارزش و شایستگی آن دوباره درگیر نمایند، در حالی که

⁶ Ulan Bator (پایتخت کشور مغولستان)

⁷ Buenos Aires (پایتخت کشور آرژانتین)

⁸ Dystopia

⁹ Reinhold Niebuhr

¹⁰ Doctrine of Salvation by Bricks only (۲۰۰۱: ۲۴۲) (منظور قدرت طراحی است، ر.ک. بلیر کامین، ۲۰۰۱: ۲۴۲)

چالش‌های آن شناسایی می‌شود و تصویری مجدد از آن برای تحول مدرنیته اقدامی قهرمانانه بوده و کمپین‌های طولانی مدت برای متفکرین به شمار می‌رود.

شهرهای رؤیایی تاریخ آرمان‌شهرها نیست، بلکه برخی از طرح‌هایی که در این کتاب کدگشایی شده است، به معنای آرمانشهر جلوه‌گر می‌شوند. همچنین این کتاب در مورد شکست‌های شهرهایمان بحث نمی‌کند. این کتاب هیچ‌گونه مدلی را برای جهانی متعالی‌تر ارائه نمی‌نماید. در کلام لوییس مامفورد^{۱۱}، مورخ و منتقد: در نهایت، من قول می‌دهم که هیچ تلاشی برای نشان دادن آرمانشهری دیگر به عمل نیآورم؛ طرح مبانی‌ای که بر اساس آنها سایرین اقدام به سازندگی نمایند، کافی خواهد بود. بجای آن، این کتاب به بیان اهدافی می‌پردازد که در پس فرم‌های امروزی شهر مدرن قرار گرفته و اکثراً بررسی نشده‌اند. این کتاب در تلاش است تا ابزارهای شناخت معماری‌های اطراف ما (راهنمای زمینه‌ای مانند راهنمایی‌ای که برای شناخت گونه‌ها یا انواع مخلوقات در طبیعت، استفاده می‌شود و به‌منظور خواندن، کدگشایی و درک شواهد آنها کاربرد دارد) را به خواننده ارائه کند. این کتاب به منظور تعلیم نفس خود (تداوم تشابه با دنیای طبیعی) و آگاهی نسبت به این گونه‌های شهری از جهت زیبایی‌ها، موضوعات، ساکنان و رفتارهایشان نگارش شده و هدف از آن شناسایی این موضوع می‌باشد که آنها چگونه به‌صورت فعال حیات ما را شکل می‌دهند؛ در حالی که ما یا اکثر ما در اغلب اوقات، تنها به زندگی و کسب و کار روزمره خود مشغول هستیم.

¹¹ Lewis Mumford

فصل اول

قلعه‌ها^۱

(برترام گودهیو^۲ و شهر واهی^۳)

همه تاریخ، تاریخ عشق و اشتیاق است.

تی. جی. جکسون لیرز، تولد دوباره یک ملت^۴

بر فراز صخره‌های سخت، خانه‌هایی زشت و ایمن ساخته شده‌اند:

بیا و قصر درخشان مرا ببین که بر ماسه‌ها بنا شده است!

ادنا اس تی. وینسنت میلای، صورت ثانی^۵

من در قرن شانزدهم در اندلس^۶ پرورش یافتم. یا این‌گونه به نظر می‌رسد. بیشتر نقاط شهر کوچک زادگاهم، از ساختمان‌های اندود گچ و سیمان سفید با پنجره‌های دارای عمق که به وسیله نرده‌های آهنی حفاظت شده و دارای بام‌هایی قرمز می‌باشند، ساخته شده است. تالار با کاشی‌های تونسی به رنگ‌های روشن، پرتالو و نورانی است و با برج ساعت باروک پوشانده و تاج‌گذاری شده است، حتی زندان این تالار، به سبک کاخ اهالی شمال آفریقا^۷ می‌باشد. رایحه بهار نارنج در زمستان هوا را پر می‌کند و گل‌های کاغذی و رز، خانه‌ها و محل کار را مزین می‌نمایند. بام‌های قرمز شهر همچون دریایی توسط ناقوس‌های دوقلوی کلیسای قدیمی اسپانیایی اداره می‌شوند. شبکه خیابان‌ها نیز با شیب ۴۵ درجه طبق قوانین هندوستان ساخته شده است و نام آنها نیز از نام خانوادگی اولین ساکنین اسپانیایی شهر گرفته شده است. ساختمان‌های خشتی اصیل نیز بازسازی و مرمت شده و یادآور استمرار تاریخی هستند؛ اما ۹۹ درصد از غیر اصیل و دچار تغییر شده است. این شهر، سانتا باربارا در کالیفرنیا، ۹۰ مایلی شمال لس‌آنجلس است که بیشتر آن در قرن بیستم ساخته شده و ساخت آن همچنان از سوی سازندگان آمریکایی با نیت صنعتی با هدف زندگی در گذشته ناپدید شده انسان در مقیاس کامل، در قرن بیست و یکم ادامه دارد.

من کودکی‌ام را با زمزمه این سرود کوتاه مدیریتانه‌ای و برساخته، سوار بر تخته اسکیت پشت سر گذاشته‌ام. همه چیز در ذهنم کاملاً طبیعی می‌نمود. هرچه بزرگ‌تر می‌شدم، جذب روایت نقل‌نشده‌ای می‌شدم که این محیط و توجهش به جزئیات، همان چیزی بود که زندگی ما را در سانتا باربارا متمایز می‌کرد، بهتر از افرادی که محکوم به زندگی در ترافیک و هوای خفه و آلوده لس‌آنجلس یا بابلون در جنوب نیویورک هستند. این روایت به من قوت قلب می‌داد: سبک قدیمی شهر به خاطر جدایی زمانی و فضایی‌اش از شهر بزرگ پست شده و پست کننده، دارای ارزش معنوی و درجه‌ای از مصونیت است.

جداسازی بر حسب فضا به سادگی قابل درک بود: رهاکردن ترافیک و دود و آلودگی برای دیگری که به قدر کافی شانس زندگی در این محل را ندارند، مشخصاً چیز خوبی بود. بخش دیگر، مفهوم مبهم و گنگ معنوی که معمار شهر وعده آن را داده بود، به‌سختی قابل تحقق بود. من به‌تدریج به این درک رسیدم که دستیابی به مفهوم و احساس سفر در زمان به دنیایی بهتر، بیشتر جنبه روانی داشت. برای اینکه این موضوع عملی شود، مکان باید حداقل از شهر مایل‌ها دورتر بنا شود یا دور از شهر قرار گیرد. مکان مورد نظر باید از شهر دور و جدا باشد، گویی زمانی در گذشته را اشغال کرده باشد، این جدایی باید به گونه‌ای مهم‌تر از مسافت فیزیکی باشد و ایجاد ارتباط دوباره برای آن میسر نباشد. در ساده‌ترین سطح، پوسته قدمت به افرادی که در این امر سرمایه‌گذاری می‌کنند، بازگشت و نتیجه‌ای خوب، نه‌تنها در ارزش مادی بلکه در ارزش معنوی و اجتماعی آن را وعده می‌دهد. زنگار قدمت مستغلات و اراضی، می‌تواند به فرد یا خانواده‌ای تجلی پول قدیمی را بدهد، به همین دلیل است که ثروتمندان و نوکیسه‌های تمامی اعصار، خرید قلعه‌ها، کاخ‌ها یا فرآیند پول‌شویی را انتخاب کرده‌اند. این فرآیند به نوعی جاه‌طلبی است که به واسطه ثروتشان نمایان می‌شدند. در سانتا باربارا پول همیشه برای ساکنان آن یک شیء جدید محسوب می‌شد، چرا که هر نسل از ساکنین جدید غنائم خود را از میدان‌ها نبرد سرمایه‌داری، از سرزمین‌های

دور با خود به آنجا می‌آوردند و آنجا را به‌عنوان بهشتی برای استراحت و فرار از جنگ‌های نجیب‌زادگان انتخاب می‌کرده‌اند.

توهم دوری و جدایی بر حسب زمان و مکان نیز شوقی دیگر را ارضا کرده است: عدم زندگی در شهری مدرن، عدم ارتباط با آنچه شهرها برای کار، رنج، جنگ، اضطراب و دیگر افراد، خصوصاً افراد ناخوشایند، بر آنها اتکا دارند. سانتا باربارا یک شهر مدرن است که با تظاهر به اینکه هیچ یک از این مصائب را در بر نمی‌گیرد، به موفقیت دست یافته است. معماری قدیمی جدید آن نوعی توهم است که در برابر پندار بیهوده جمعی در مورد تفاوت بر قوت خود باقی مانده و آن را به یک امر مطلوب بدل کرده است. این مسأله پایه‌های یک آرمانشهر با دسترسی محدود را شکل می‌دهد.

بعد از اینکه به‌عنوان یک نوجوان چندین بار به جنوب سفر کردم، مشاهده نمودم که جهنم فرضی در لس‌آنجلس کاملاً مملو از همان چیزهاست. بسیاری از واحدهای همسایگی به‌صورت خانه‌هایی ردیفی به سبک اسپانیایی و ساختمان‌های تجاری کنار هم قرار داشتند و مابقی شامل بی‌شمار ساختمان متفاوت تاریخی، به‌صورت گروهی سنگ فرش شده‌اند و به‌طور یکسان سبک مدرن را تظاهر می‌کنند. تفاوتی که از آن یاد می‌شود به این شکل بود که در لس‌آنجلس همان‌طور که در کسب و کار سینمایی مطرح می‌نمایند، خلأهای زیادی در امر تداوم و پیوستگی وجود دارد، لذا تصور و توهم به ندرت متعالی و کامل بود. با این حال، کسب و کار مورد هدف این موزه‌ها به شیوه خلق مجدد معماری‌های تاریخی برای جادو کردن مفهوم طلایی جدایی بود. این موضوع تماماً شامل نوع ملک یا بنای مجلل بود که در شمایل تجملات واهی و رمانتیک، رسوم، تزئینات مجلل، زیورآلات، تزئینات جذاب، جواهرات درخشان و خیره‌کننده و خود ما دیده می‌شد. زمانی که شما به ذات این موضوع پی می‌برید، همه جا آن را خواهید یافت و هر کجا که چشم بیندازید، آن را به‌عنوان بخشی از شهرها، به‌صورت حوزه‌های انحصاری حومه شهری یا حوزه‌های داخلی یا گاه در بافت اصلی کل شهر خواهید دید. در شمال آمریکا، اروپا و سرتاسر جهان می‌توانید احیای تاریخی را در شهرهای مدرن و معاصر مشاهده نمایید. این فرآیند در قرن نوزدهم، برای اولین بار مصادف با ظهور مدرنیته شهری و صنعتی مشاهده گردید و در قرن بیستم در سرتاسر غرب منتشر شد و اکنون نیز در قرن بیست و یکم به گسترش خود ادامه می‌دهد. این تداوم همچون مدرنیته صنعتی در حال گسترش است. این امر پدیده‌ای کمیاب می‌باشد: هرچه بیشتر پیشرفت می‌کنیم، در زمان رو به عقب می‌رویم.

تمام موضوع این پرسش را مطرح می‌نماید که: این پدیده چرا و از کجا آمده است؟ چه نوع نیاز فرهنگی این پدیده را شکل داده و همچنان به شکل‌گیری این پدیده ادامه می‌دهد؟ این پدیده چه ارمغانی برای ما دارد که موجب می‌شود اراده، شوق و اشتیاق ما بر سرمایه‌گذاری در این امر بیشتر شود؟ جادو چگونه عمل می‌کند؟ پاسخ این سؤالات در بینشی ساده نهفته بوده است: در خانه‌های سفید و باوقار در امتداد خیابان‌ها، با درب‌هایی از چوب بلوط حکاکی شده و باغچه‌هایی با پرچین‌های سبز و درختان لیمو یا احتمالاً در کلپ روستا روی تپه که به وسیله برجی ستبر، مانند یک برج قدیمی و باستانی پوشانده شده است و در آن آهالی خوش‌شانس در روزهای هفته به بازی گلف می‌پردازند و به آمواف اقیانوس آرام نگاه می‌کنند.

طراح اصلی بسیاری از این مکان‌ها یکی از بزرگ‌ترین معمارانی بود که در آمریکا کار کرده و شما به احتمال زیاد هرگز در مورد او چیزی نشنیده‌اید. ممکن است یک یا چندین نمونه از این ساختمان‌ها را دیده باشید، ممکن است عمارت پارلمانی ایالت نبراسکا با مجسمه‌ای از پیکر یک برزگر را دیده باشید که از برجی به ارتفاع ۴۰۰ فوت در حال بذر پاشی می‌باشد یا کتابخانه مرکزی لس‌آنجلس را دیده باشید یا یکی از کلیساهای حیرت‌انگیز به سبک گوتیک را در نیویورک، بوستون یا شیکاگو دیده باشید، اما احتمالاً نمی‌توانید ارتباطی میان آنها ایجاد کنید